



سرمقاله

طبروحانی از دیدگاه رازی

داده و قطره‌ای از دریای بیکران علمش را شناسایی نمائیم. واقعیت اینست که هر بار برای تحریر مطلبی درباره رازی به سراغ منابع و کتب مربوط می‌روی، بیش از گذشته مجذوب این مرد بزرگ شده ابعاد شخصیت علمی او به گونه‌ای فزاینده مفتونت می‌سازد. در شرایط کنونی که پیشرفت علم قابل مقایسه با عصر رازی نبوده و دسترسی به منابع به خصوص بعد از کامپیوتری شدن آن بسیار آسان شده و تسریع گردیده است، کمتر می‌توان فردی مانند رازی یافت که این اندازه مکتوب و آن هم در رشته‌های مختلف و متباین ارائه داده باشد. حتی یافتن متخصصی که در رشته تخصصی خود این اندازه تحقیق و تحریر داشته باشد امر دشواری به نظر می‌رسد. از این رو بر عهده تک تک ماست که هر چه بیشتر این نابغه دوران را شناخته و

پنجم شهریور، روز داروسازی را که همزمان با سالگرد تولد دانشمند بزرگ و فیلسوف گرانمایه محمدبن زکریای رازی است، خدمت تمامی داروسازان کشور و همه همکاران در گروه پزشکی تبریک عرض نموده و آرزو می‌نمائیم بتوانیم رهرو راه این نابغه بزرگ ایران و اسلام بوده و همچون او افتخاری برای ملت و کشور خود باشیم. گرچه تا کنون دو سرمقاله به قلم راقم این سطور درباره شرح حال و مکتوبات رازی و همچنین معرفی یکی از کتابهای او به رشته تحریر در آمده، اما وسعت مطالب و کثرت نوشتارهای رازی به گونه‌ای است که: «کفاف کی دهی این باده‌ها به مستی ما». بنابراین بر خود فرض می‌دانیم که از فرصت بدست آمده استفاده نموده و حداقل سالی یکبار سرمقاله نشریه را به این عالم بزرگوار اختصاص

سعی نمائیم جهت علمی کشور را به سوی هدایت کنیم که باز هم چنین دانشمندانی نه کم شمار که بسیار، در این مرز و بوم پا به عرصه وجود بگذارند و افتخاری برای کشور و دین خود باشند.

از آنجا که در شماره‌های گذشته به معرفی کلی شخصیت رازی، شرح حال و مکاتبات او پرداخته‌ایم اکنون مناسب است برای آشنایی با بعدی دیگر از شخصیت علمی رازی به معرفی یکی از کتابهای مهم او به نام «طب روحانی» که فصلی مهم و طولانی از کتاب فیلسوف ری تالیف جناب آقای دکتر مهدی محقق را به خود اختصاص داده است بپردازیم.

دانشمندان در گذشته بیماریها را به دو دسته مهم تقسیم می‌کردند: بیماری قلب و بیماری بدن. به عبارت دیگر مرض القلوب و مرض الابدان. بررسی و درمان بیماریهای مربوط به اعضاء و جوارح بدن نیازمند علم پزشکی و طبیعی حاذق است در صورتیکه درمان بیماریهای قلبی یا نفسی علم اخلاق و عالمی متخلق به خلقیات حسنه می‌طلبد. در آن زمان برای درمان بیماریهای قلبی و کنترل نفس تعابیری چون زم‌الهوی یعنی مهار کردن نفس و ذم‌الهوی (نکوهش هوای نفس) به کار برده می‌شد.

طب روحانی که کتابی مفصل در درمان نفسانیات است دارای بیست فصل بوده که این فصول به‌طور خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد. فصل اول کتاب در فضیلت و ستایش عقل است که به این‌گونه توسط رازی شرح می‌شود:

«خرد بزرگترین مواهب خدا به ماست و هیچ چیز نیست که در سودرسانی و بهره‌بخشی بر آن سر آید. با خرد بر چارپایان ناگویا برتری یافته‌ایم چندانکه بر آنان چیرگی می‌ورزیم و آنان را به کام خود می‌گردانیم و با شیوه‌هایی که هم برای ما و هم برای آنها سودبخش است بر آنان غلبه و حکومت می‌کنیم. پزشکی با همه سودهایی که برای تن دارد و تمام فنون دیگر که به ما فایده می‌رساند در پرتو خرد ما را حاصل آمده است. با خرد به امور غامض و چیزهایی که از ما نهان و پوشیده بوده است پی برده‌ایم. بر روی هم خرد چیزی است که بی آن وضع ما همانا وضع چارپایان و کودکان و دیوانگان خواهد بود. هیچگاه نباید هوی را بر خود چیرگی دهیم زیرا هوی آفت و مایه تیرگی خرد است و آن را از سنت، راه، غایت و راست روی خود می‌رانند و خردمند را از رشد و آنچه صلاح حال اوست باز می‌دارد. برعکس باید هوی را ریاضت دهیم، خوارش کنیم و ادارش سازیم که از امر و نهی خرد فرمان برد.»

فصل دوم کتاب اختصاص به سرکوبی هوای نفس و جلوگیری از امیال آن دارد. در این فصل رازی چنین می‌گوید:

«آنچه برای نیل به مقصود ما در این کتاب مهم‌تر و والاتر و سودمندتر می‌باشد، سرکوبی هوی است و مخالفت با طبع‌هایی که در غالب موارد پیش می‌آیند و ورزش نفس برای وصول این منظور و برانگیختن نفس بسوی هدف. زیرا نخستین برتری مردم بر چارپایان همین است یعنی ملکه اراده و صدور فعل پس از تأمل. هوی

و طبع همواره ما را وامی‌دارند که لذات حال را بجوئیم، بی‌آنکه درباره عاقبت کار اندیشه کنیم».

فصل سوم که بسیار مختصر است مربوط به عوارض نکوهیده نفس می‌باشد. فصل چهارم تحت عنوان: در شناختن مرد عیب‌های خود را «فی تعرف الرجل عیوب نفسه» نوشته شده است. رازی در این فصل چنین می‌گوید:

«چون هر يك از ما نفس خود را دوست می‌دارد و کنش‌های خویشتن را پسندیده و شایسته می‌داند قدرت آن ندارد که هواهای خود را و زندگی با دیده خرد محض و پاک به خواها و رفتار خود بنگرد. از این رو نمی‌تواند عیب‌ها و زشتی‌های اندرون خود را آشکار سازد و چون بر اینها آگاهی نمی‌یابد پس نمی‌تواند سرکوبشان کند. بنابراین باید در این زمینه به مردی خردمند رجوع کند و از وی بخواهد و در خواهش خود تا کید ورزد که او را از معایبی که در او می‌بیند آگاه سازد. هر گاه مردی در این معنی در چنین راهی بخرامد هیچک از عیب‌هایش هر چند ناچیز و نهان باشد از او پنهان نمی‌ماند».

رازی در فصل پنجم عنوان «در عشق و دوستی و خلاصه سخن در لذت» را مطرح می‌کند و در باب لذت می‌گوید «کسانی که ورزش علمی نیافته‌اند تصور می‌کنند که لذت خالص است و بارنج مشوب نیست در حالیکه چنین نمی‌باشد، بلکه لذت به میزان رنجی که در نتیجه خروج از حالت طبیعی اتفاق می‌افتد به آدمی دست می‌دهد».

در فصل ششم رازی بحث عجب را عنوان کرده و علت این عارضه را در این می‌داند که آدمی خود را افزون از آنچه هست تصور می‌کند. او معتقد است برای درمان این درد باید انسان سنجش خوبیها و بدیهای خود را به دیگران واگذار کند.

رازی در فصل هفتم «حسد» را مورد بررسی قرار داده و آن را نتیجه بخل و شر می‌داند و می‌گوید فرق میان شریر و خیر اینستکه اولی از مضار دیگران لذت و از سود آنان رنج می‌برد و دومی بالعکس. او معتقد است که این عارضه از آنجا بوجود می‌آید که آدمی عقل را نادیده گیرد و هوی را دنبال کند و درمان آن باین است که با بصیرت نفس ناطقه و نیروی نفس غضبیه نفس بهیمی خود را که منشا این رذیلت است سرکوب سازد.

در فصل هشتم که درباره غضب و خشم است رازی چنین می‌گوید: غضب در آدمی نهاده شده تا بوسیله آن از موذی انتقام گیرد و این عارضه هر گاه از حد خود تجاوز کند بطوریکه خرد در برابر آن ناپدید گردد بسا که زیان آن بر خشم گیرنده سخت‌تر و بیشتر است از آنکه مورد خشم واقع شده است. او سپس از جالینوس نقل می‌کند که گفته است مادرش هر گاه باز کردن قفلی بر او دشوار می‌نمود از شدت خشم بر قفل می‌جست و آن را بدنندان می‌گرفت.

فصل نهم درباره دروغ و دور افکندن آن است. رازی دروغ را از عوارض پست می‌داند که در نتیجه غلبه هوی پیدا می‌شود و جز پشیمانی و اندوه ثمره‌ای ندارد. او فقط دروغی را که باعث

نجات جان کسی شود تجویز می کند.
در فصل دهم تا شانزدهم عناوینی چون:
بخل، فکر و نگرانی زاید و زیان آور، اندوه،
حرص و موارد دیگری چون ولع و عبث
مطرح گردیده است.

فصل هفدهم در باب کسب مال و اندوختن
و هزینه کردن آن است. رازی در این باب
گوید که «مقدار اکتساب باید موازی مقدار
هزینه و ذخیره باشد. آدمی باید در این باره
رعایت اعتدال را بنماید و از تقصیر و افراط
دوری جوید چه آنکه تقصیر در این امر موجب
پستی و خواری می شود و افراط در آن باعث
رنج و تعب دائمی می گردد.

فصل هیجدهم درباره طلب مراتب و
درجات دنیوی است. رازی معتقد است که ما باید
با دیده عقل عاری از شائبه هوی به تنقل حالات
و مراتب بنگریم و ببینیم که آیا آن مرحله
بالاتر به کوشش و جهدی که در راه رسیدن به
آن صرف می شود می آرد یا نه. او معتقد است که
هوی در این مورد آدمی را وادار به رنجی
می کند که چند برابر لذتی است که محتملاً به
دست خواهد آمد.

«در سیرت فاضله» عنوان فصل نوزدهم
کتاب است. رازی در این فصل چنین گوید:
«سیرتی که افاضل فیلسوفان بر آن رفتار نموده
و بر آن گذشته اند اجمالاً عبارتست از عدل و
بزرگواری با مردم و استشعار عفت و رحمت و
خیرخواهی برای همه و کوشش در تامین سود
برای همه مگر درباره کسانی که ظلم و جور
آشکار می کنند و در افساد سیاست و تجویز

محرمات می کوشند. سیرت فاضله آنست که
آدمی با رفتار به آن از مردم در امان باشد و
محبت آنان را بخود جلب نماید و این دو امر
بوسیله بکار بردن عدل و عفت و رحمت و
خیرخواهی حاصل می شود».

رازی فصل آخر کتاب را درباره ترس از
مرگ قرار داده و چنین می گوید: «اگر نفس
انسانی قانع شود و بپذیرد این موضوع را که پس
از مرگ حالتی بهتر و نیکوتر دارد ترس او از
مرگ مرتفع می شود. آنان که از مرگ ترس و
وحشت دارند هر بار که مرگ را در نظر خود
مجسم سازند به آنان مرگی دست می دهد و در
مدتی دراز ممکن است دچار مرگ های متعددی
بشوند. پس بهتر و نیکوتر آنست که نفس انسانی
با لطف و حیلت این اندوه و ترس را از خود دور
سازد.

از نکات مهمی که در مورد کتاب طب
روحانی باید مورد توجه قرار گیرد اینست که
خوشبختانه علیرغم اینکه بیشتر کتابهای فلسفی
رازی در نتیجه تعصب و تکفیر و حوادث
روزگار از بین رفته است، چند کتاب از او
درباره اخلاق باقی مانده که مهمترین آنها طب
روحانی است.

در پایان ضمن تبریک مجدد روز
داروسازی به همه همکاران عزیز آرزو
می نمایم که با آشنایی و شناخت بیشتر از
دانشمندان و تاریخ علم در ایران و اسلام، بتوانیم
گامی فراتر در جهت اعتلای علمی کشورمان
برداریم.

دکتر سید محمد صدر